

## مقدمه

قطف الزهور فی تاریخ الدهور، نوشته یوحنا افندی ابکاریوس (چاپ اول، بیروت، ۱۸۷۳ م)، کتابی است درباره تاریخ جهان که بخشی از آن توسط ملک الشعراء بهار در سال ۱۳۳۴ ق / ۱۲۹۴ ش، هنگام تبعید و اقامتش در بجنورد، از عربی به فارسی ترجمه شده است.

## مؤلف

یوحنا بن یعقوب ابکاریوس، ادیب و تاریخ دان سده نوزدهم لبنان. او ارمنی الاصل بود و در بیروت به تجارت، روزگار می‌گذراند. وی مدتی نیز به عنوان مترجم کنسولگری انگلیس در همین شهر، به کار مشغول بود. ابکاریوس در سال ۱۸۸۹ در «سوق الغرب» لبنان درگذشت (۱). از او آثاری در زمینه‌های ادبی و تاریخی بر جا مانده است. بدین ترتیب:

- نزهة الخواطر فی الادب، بیروت، ۱۸۷۷

- التحفه الانیسه فی نوادر النفیسه، بیروت، ۱۸۸۲ و ۱۸۹۸

- قطف الزهور فی تاریخ الدهور، بیروت، ۱۸۷۳، ۱۸۸۳، ۱۸۸۵، ۱۸۹۸، ۱۹۱۲

- قاموس انکلیزی - عربی، بیروت، ۱۸۸۷ (مختصر) و ۱۹۰۳ (مطول)

## مترجم

محمد تقی ملک الشعراء بهار، ادیب، شاعر، روزنامه نویس و سیاستمدار معاصر

ایران، از وی آثار بسیاری در قالب نظم و نثر باقی مانده است (۲). یکی از این آثار، ترجمه فصول اولیه کتاب قطف الزهور است که وی در سال ۱۳۳۴ ق / ۱۲۹۴ ش، هنگام تبعید به بجنورد، بدان اقدام کرده بود. زمینه‌های تبعید بهار به شهر بجنورد، بدین گونه فراهم شده بود:

در فاصله سال‌های ۱۳۲۹ - ۱۳۳۲ ق / ۱۲۸۹ - ۱۲۹۲ ش، یعنی پس از تعطیلی مجلس دوم، و در طول دوره زمامداری ناصر الملک، فضای سیاسی ایران از نوعی خمودگی و سکون برخوردار شده بود. احزاب، مطبوعات و رجال سیاسی تحت فشار بودند. روزنامه‌های نوبهار و تازه بهار که توسط ملک الشعراء منتشر می‌شد، دوره توقیف خود را سپری می‌کرد و خود وی هم تحت فشار دولت روس و به بهانه‌هایی مانند: درج مقالات ضد روسی او که در دو نشریه یاد شده منتشر می‌شد و نیز به دلیل عضویتش در حزب دمکرات که مواضعی خلاف سیاست‌های دولت روس داشت، مجبور به ترک مشهد و تبعید هشت ماهه به تهران شده بود.

خروج ناصرالملک از ایران در شعبان ۱۳۳۲ ق، آغاز انتخابات مجلس سوم و در نهایت افتتاح این نهاد توسط احمد شاه، دگرگونی‌هایی در فضای سیاسی ایران پدید آورد. بهار که تا این زمان، تنها، انتشار چند نشریه و عضویت در حزب دمکرات را در کارنامه سیاسی خود داشت، نخستین تجربه پارلمانی‌اش را با ورود به مجلس سوم، به عنوان نماینده مردم سرخس، درگز و کلات، آغاز کرد. او که پس از مشروطه (۱۳۲۴ ق) و در زندگی سیاسی‌اش، مواضعی اصلاح طلبانه در مقابل سنت‌گرایان داخلی و نیز حرکتی ضد روسی در مقابل بیگانگان داشت، همواره لطماتی را از جانب این دو گروه متحمل بود. او در مجلس سوم از صدمات طرفداران این گروه‌ها در امان نماند و در نتیجه اعتبارنامه‌اش (برخلاف معمول)، پس از گذشت یک سال از آغاز به کار مجلس، تصویب شد.

در فضای حمایتی مجلس سوم، زمینه برای انتشار جرایدی که در دوره ناصرالملک توقیف شده بودند، مهیا گردید و به دنبال آن، نشریاتی چون: رعد، ایران نو، عصر جدید، ستاره جدید، دمکرات و بامداد روشن، انتشار یافتند. بهار نیز در تهران بیکار ننشست و به ادامه انتشار نوبهار که پیشتر در مشهد توقیف شده بود، پرداخت؛ اما دیری نپایید که

این شرایط دستخوش دگرگونی گردید و آرامش کوتاه مدت پارلمانی و مطبوعاتی به مخاطره افتاد. بدین قرار که در ذیحجه ۱۳۳۳ ق، «قشون روس» از قزوین به سوی تهران حرکت کرد. مستوفی الممالک، رئیس الوزراء تصمیم گرفت شاه را به سوی اصفهان حرکت دهد. او به برخی از نمایندگان دمکرات به ویژه بهار (که متفقین، یعنی روس و انگلیس، تبعید وی را خواستار شده بودند)، تذکر داد که از تهران خارج شوند. بهار پس از درج مقاله‌ای در نوبهار، به نام «دشمن حمله کرد» از تهران راهی قم شد؛ اما در نیمه راه، با پیش آمدن حادثه‌ای که به جراحت وی منجر گردید؛ مجبور شد به تهران باز گردد.

بهار در بازگشت به تهران، شرایط را دیگرگون دید. از یکسو روزنامه‌اش توقیف شده بود و از سوی دیگر با دسیسه سفارت خانه‌های روس و انگلیس، علیه خود مواجه گردید که از دولت جدید و رئیس الوزرای آن، محمد ولی خان تنکابنی خواسته بودند وی را به مشهد تبعید نماید. سرانجام این تلاش‌ها، دستگیری بهار توسط نظمی (به دستور رئیس الوزراء) و تبعید وی به خراسان، در رجب ۱۳۳۴ ق بود. بهار که می‌دانست عوامل روس در خراسان جان او را تهدید خواهند کرد، به پایمردی اکبر مسعود، وزیر خارجه، حکم تبعید خود را از مشهد به بجنورد تغییر داد تا آنجا، تحت حمایت عزیز الله خان سالار مفخم، معروف به سردار معزز بجنوردی که از خانواده‌های قدیمی منطقه بود قرار گیرد. بدین ترتیب، او راهی بجنورد شد و در پناه سردار معزز، اقامت شش ماهه خود را در آنجا آغاز کرد (۳).

سوی بجنوردم فکند آنگاه یرلیغ دگر

کش به جز آزار من فکری به مغز اندر نبود

مرده بودم بی‌گنه در خطه بجنورد اگر

مهر سردار معزز حصن این چاکر نبود

گر به منفی جانب فردوس می‌رفتم ز طوس

در نظر فردوسم از بجنورد نیکوتر نبود (۴)

در فضای آرامی که سردار معزز (۵) در بجنورد فراهم ساخته بود، بهار تصمیم گرفت بیکار نباشد و به کارهای علمی بپردازد، لذا دست به کار شد و ترجمه کتاب قطف الزهور

را آغاز کرد. به درستی روشن نیست که این ترجمه چه مدت از وقت بهار را در بجنورد به خود اختصاص داده است ولی اگر تاریخ مقدمه ترجمه قطف الزهور (۳ شوال ۱۳۳۴) را زمان آغاز این کار بدانیم، می توان گفت که بهار، سه ماه پس از تبعید به بجنورد، ترجمه قطف الزهور را شروع کرده است.

### قطف الزهور

قطف الزهور فی تاریخ الدهور که بهار آن را به اختصار، قطف الزهور نامیده است مربوط به تاریخ جهان از ابتدای خلقت تا سده نوزدهم میلادی می شود. این کتاب در پنج بخش فراهم آمده و هر یک از بخش های آن به یکی از پنج قاره جهان اختصاص یافته است. بدین ترتیب:

- بخش اول: آسیا

- بخش دوم: آفریقا

- بخش سوم: اروپا

- بخش چهارم: امریکا

- بخش پنجم: استرالیا

این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۸۷۳ در بیروت، با ۷۱۷ صفحه به چاپ رسید و پس از آن، دست کم پنج بار تجدید چاپ گردید (۶). بهار از چاپ پنجم این اثر (۱۹۱۲) که نسبت به چاپ های پیش از خود دارای اختلاف های جزئی به ویژه در محتوای جدول ها بود، استفاده کرده است.

### ترجمه قطف الزهور

بهار، این ترجمه را با مقدمه ای به قلم خویش درباره «مبدا تاریخ» آغاز می کند. او در پایان این مقدمه آورده است:

این بود خلاصه ای از تاریخ طبیعی و مبدا تاریخ که ما آن را برای نمونه در مقدمه خود ثبت نموده و اینک به توفیق الله شروع به ترجمه کتاب مستطاب (قطف الزهور) می نمایم. و چون مقدمه فوق را بدون داشتن هیچ گونه کتاب و فقط با فکر و

حافظه تنها نوشته‌ام، اگر لغزش در قلم رفته و پاره‌ای نکات فروگذار شده است، به نظر اصلاح در آن نگریسته و خورده نگیرند.

«بجنورد - فی - ۳ شوال المکرم ۱۳۳۴».

بهار پس از این مقدمه، به ترجمه پنج فصل از بخش اول (شامل فصل‌های یک تا چهار و دو باب اول از فصل پنجم)، مبادرت کرد و بدین ترتیب، تنها نمونه نثر ترجمه‌ای خود را برجا نهاد.

آثار منتشر بهار به لحاظ موضوعی دارای تنوع خاصی است. این آثار در قالب مقالات و تحقیقات تاریخی، مقالات سیاسی، آثار و تحقیقات ادبی و سرانجام در نامه‌هایش، جای گرفته است (۷). تنوع قالب و موضوع سبب شده است که این آثار از ویژگی‌های سبکی خاصی برخوردار گردد. از باب مثال، میان نثر بهار در آثار زیر که هر کدام در حوزه موضوعی خاصی نوشته شده است؛ تفاوت‌هایی آشکار دیده می‌شود:

۱ - تاریخ مختصر احزاب سیاسی

۲ - احوال فردوسی

۳ - سبک شناسی

۴ - نمایشنامه «تربیت نااهل»

۵ - مقالات «ترجمان البلاغه»، «شعر و شاعری» و «بازگشت ادبی»

۶ - مقالات «ترک امتعه روس یا مبارزه غیرمستقیم» و «سیاست انگلیس در ایران»

۷ - نامه به: مجتبی مینوی و دینشاه ایرانی

تنوع موضوعی در آثار منتشر بهار و نیز سهولت دسترسی به تمامی آنها، زمینه انجام تحقیقی جامع درباره ویژگی‌های نثر بهار را فراهم آورده بود ولی آن چیزی که مانع از جامعیت چنین تحقیقی می‌گردید، فقدان نمونه نثر ترجمه‌ای بهار بود که به عنوان یک نقصان در این میان خود نمائی می‌کرد. با پیدا شدن این ترجمه، می‌توان امیدوار بود که مجموعه آثار منتشر بهار در همه زمینه‌ها کامل شده باشد و راه برای تحقیقی جامع جهت بررسی وجوه مختلف نثر بهار گشوده گردد.

در این مجموعه، ابتداء ترجمه قطف الزهور سپس صفحات آغازین و پایانی دستنویس بهار به اضافه نقاشی‌های او که از روی تصاویر اصل کتاب ترسیم گردیده،

درج شده است.

در پایان متذکر می‌گردد، اصل ترجمه قطف الزهور در دفتر یادداشت‌های ملک الشعراء بهار بود که اخیراً یافت شده است. به لطف فرزند ایشان، خانم چهارزاد بهار، توانستم نسخه‌ای از این ترجمه تهیه کنم. بدین لحاظ بر خود لازم می‌دانم از ایشان به سبب این مساعدت، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین متذکر می‌شود که اصل عربی کتاب قطف الزهور به همت دوست گرامی و فاضل، جناب آقای علی رفیعی علامرودشتی، از کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی تهیه شد. از ایشان نیز به سبب این مساعدت سپاسگزاری می‌گردد. همچنین ضروری است از مدیریت فاضل و گرانبمایه «مرکز پژوهشی میراث مکتوب» قدردانی گردد که این ترجمه را در سلسله انتشارات مرکز قرار دادند.

علی میرانصاری

تهران - اردیبهشت ۱۳۸۵



## پی‌نوشت‌ها

۱. دربارهٔ یوحنا ابکاریوس، نگاه کنید به :
  - تاریخ الآداب اللغة العربیه، جرجی زیدان، مصر ۱۹۱۳، ۲۸۸/۴
  - معجم المطبوعات العربیه و المعربه، یوسف الیاس سرکیس، قاهره، ۱۹۲۸، ۲۴/۱ - ۲۵
  - الاعلام، خیرالدین زر کلی، بیروت، ۱۹۸۴، ۲۱۱/۸
۲. برای آگاهی از فهرست آثار بهار، نگاه کنید به ارجمانهٔ بهار، به کوشش علی میر انصاری، تهران، ۱۳۸۵، ص ۸۷ - ۱۰۶
۳. جهت آگاهی بیشتر از تبعید بهار، نک:
  - بهار دیوان اشعار، تهران، (۱۳۳۵): ۳۵۰/۱؛ ۴۷۴/۲
  - همو، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران، (۱۳۷۱): ۱۴/۱ - ۲۲؛ ۲۳۱/۲
  - میر انصاری، علی، اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران، تهران، (۱۳۷۷): ۵۸/۲ - ۶۳
۴. بهار در طول اقامت خود در بجنورد، قصاید: «لوح عبرت»، «خیانت» و «کیک نامه» را سرود. نک:
  - دیوان اشعار، ۲۸۲/۱ - ۲۸۹، ۲۸۹ - ۲۹۰، ۲۹۰ - ۲۹۲.
۵. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ سردار معزز بجنوردی و ماجرای اعدام او به دست رضا شاه نک:
  - بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ۲۲۷/۲ - ۲۵۸
  - مکی، حسین، تاریخ بیست سالهٔ ایران، تهران، (۱۳۷۴): ۳۶۷/۳ - ۳۶۸
۶. چاپ‌های مختلف قطف الزهور، همگی در بیروت و به ترتیب زیر صورت گرفته است:
  - ۱۸۷۳ (ص ۷۱۷)
  - ۱۸۸۳ (ص ۷۲۹)
  - ۱۸۸۵ (ص ۷۲۹)
  - ۱۸۹۸ (ص ۷۶۷)
  - ۱۹۱۲ (ص ۷۱۷)
۷. نمونه‌های مختلف نشر بهار را در منابع زیر می‌توان جستجو کرد:
  - تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران
  - روزنامه‌های نوبهار، تازه بهار و زبان آزاد
  - مجلهٔ دانشکده
  - نامه‌های بهار، به کوشش علی میر انصاری، تهران، ۱۳۷۹